

مدیر کل

جلال‌الدین الحسینی مؤید الاسلام  
صاحب امتیاز روزنامه حقیقی  
ویومیة (جلالتین)  
(عنوان مراسلات)  
طهران خیابان لاله زار  
نایب مدیر میرزا سید حسن کاشانی  
غیر از روزهای جمعه همه روزه  
طبع و توزیع میشود

یومیة

کَلِمَاتُ الْمُؤْمِنِينَ

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالانه

طهران ۴۰ قران  
سایر بلاد داخله ۴۵ قران  
روسبه و قفقاز ۱۰ منات  
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک  
(قیمت يك نسخه)  
در طهران یکصد دینار  
سایر بلاد ایران سه شاهی است  
اعلان سطرى دو قران است

(روزنامه یومیة ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه)  
(بامضا قبول و درانتشار اداره آزاد است و مطلقا مسترد نمی شود)

شنبه ۵ ربیع الاول ۱۳۲۶ هجری قمری ۱۸ فروردین ماه جلالی و ۷ آوریل ۱۹۰۸ میلادی

(سیاسی عراق)

اگر چه قایده نوشتن و کفین در پیشگاه دولتی و ملی که کوش شنوا و دیده بینا ندارد بغیر از تضییع اوقات و تحمل زحمت نخواهد بود بنده حسب الامر بعرض میرسام و قایده بر او مرتب نمودم و از اینست که مدتی مدید شد که صلاح خود را در سکوت دیده و فلاکت ایران و ایرانیان را درد بیدرمان دانسته ام شایسته کدام صاحب خانه است که از پشت دیوار خانه مسکونه خود اطلاع نداشته باشد که همسایه در پای دیوار خانه او چه کند یا سرداب درست میکند یا رخنه آب را بیای بست دیوار مسلط داشته یا روزنه باز نموده یا سنگینی عمارت خانه خود را بر روی دیوار انداخته تا چه رسد بحدود و حقوق دولت و ملة و ممالکة ملاحظه فرمائید که همسایه غریب ما در این دو سال و چندی چه کارها کرده چه تعدیات نموده چه قدر ملک ایران را تصرف نموده و چه قدر نفوس محترمة ما را تلف نموده و یک بالش نری که اسمش قومسیون حدود است زیر سرما گذاشته و خود علی الاتصال مشغول تجاوزات بوده و هست و وقتی از ایرانی می پرسى که چرا مدافعه نمیکنید می گوید قومسیون مشغول مذاکره است تا به بینم چه قراری می دهند رسم وطن پرستی و مملکت داری اینست البته ملاحظه تاریخی فرموده اید و میدانید که حاله امروزه ما چه قدر مشابهه بدوره اشعلال دولت صفویه دارد که افتاترا از دخول مملکة متمکن ساخت و از درمدافعه بر نیامد راه صلح را پیش و قناعت به اصفهان کرد تا اینکه شد آنچه شد که قلم از نکارش او عار دارد بی فرقی که دوره ما با دوره شاه سلطان حسین دارد اینست

که انوقت دول معظمه اروپا با راه به ممالک ما نداشتند و چشم طمع در ملک ما ندوخته بودند و روزگار شهسواری و شمشیر و جلادت بود نادری خداوند بر انکیخت و طرح استقلال دولت را دوباره ریخت و اینهمگام همسایگان شمال و جنوب ملک ما را تقسیم نموده و خورده می دانند و روزگار پولتیک و توپ کروپ و تفنگ ما کتف و علم و استعداد و زور است و ما در وطن ایران از بیجه ترسی همسایگان عقیم و نازاد شده نادری نخواهد زانید در اینصورت با این روش صلح جویانه که کوئی ایشان مخلوق آبی و از ناربت و غیرت عاری هستند و خامت عاقبت ایران محتاج به عرض و بیان نیست و هر نادان و جاهل سئل بنده می تواند از آینده ایران و ایرانیان پیش کوئی نماید اللهم مکر اینکه (دستی از غیب برون آید و کاری بکند) و مصیبه اینجاست که خداوند رزاق با ان قوه و مسانت (ان الله هو الرزاق ذو القوه المتین) امر به تحصیل روزی فرموده و با ان عزت و غلبه (و علینا نصر المؤمنین) امر بمدافعه فرموده اند (ابن الله ان یجری الاشیاء الا یاسبها) مقرر داشته و تا ما ملة ایران را غیرت ملی و وطنی و ناموس و دینی در حرکت نیاید دست غیبی بلا واسطه کاری نخواهد کرد ما نشینده ایم که کرسنه و تشنه بادعای قولی سیر و سیراب گردد (گردار پیار کرد گفتار نکرد)

عراق عرب با اینکه سکنة او شیعی مذهب اند و با اینکه طاق کسری در مداین باواز بلند صیحه می کشد که عراق جزو ایران است با اینکه مزار و مرقد ائمه ائمه عشری علیهم السلام بندای (شیستانا خلقوا من قاضل طیننا) اعلان می فرمایند که این خاک معبود مزار

و خاص  
تجارت تجار  
عراق سکه  
و مقرر  
اشرف است  
راه است  
اینکه تا ز  
امضای  
زور با ایر  
اخیره از  
ردیف جوی  
سایه پرور  
حجاز روا  
و تمام تلف  
شرمسار  
قراری شد  
نموده اند  
بسا کر  
هر کس  
و دیار بیدار  
ایران ندا  
و هر کس  
اینست که  
یک عشیر  
یا مصمص  
زیرا که  
ایران بطم  
را زنده  
در افواه  
ما را خبر  
امروز و  
گذشته که  
سرحد دا  
بنحوی  
ایران  
ارغرة  
عجله رد  
و آرد می  
روانه حد  
و خاتین  
متدرجا  
شد بارم

توب تا حال دیده نشده مقدار چهار صد بار از اینها به حدود حمل شده و ۳۰۰ بار در مخزن بغداد گذاشته شد و مردم از جهة ردیف و احتیاط افرار و دیار پدیدار شده اند و بواسطه افرارها دزدی و قتل در بلاد زیاد میشود و الی بغداد بهمراهی نقیب در ۲۸ محرم بکربلا و نجف رفتند مظنون است که با آقایان حجج الاسلام ملاقات نمایند این مسافرت خالی از اهمیت پولنکی نیست و در ۲۹ محرم یوترباشا که از اسلامبول مأمور اصلاح اردوی ششم عراق بود وارد بغداد گردید و معروف است که ۴۰ عمده توب همراه داشته اگر اصل داشته باشد تا حال وارد نشده و پنج عمده توب از بغداد بخاقین رفته و سه عمده کوهی به بدرآ و دو عمده بمندلج رفته و بواسطه غدغن زوار مقاطعه‌چی های جنازه و تریه و جسرها و غیره با حکومتی سوال و جواب اند تردد مکاری ایرانی که غدغن بود از حدود وارد عراق نشوند شش دسته جلودار ایرانی از راه مندلیج فرارا وارد بغداد شدند جناب یمن الممالک احضار نموده بعد از تویخ التزام گرفته مراجعت دادند بواسطه غدغن زوار و مکاری غالب دواتر کمرک و قرانطینه و غیره حکم تعطیل پیدا کرده و به تجارت بغداد سکتی کلی روی داده و بواسطه شهرتی که مذاکره میشود که دولت ایران راه محرمه و اهواز را الی خرم اباد درصدد تأمین بر آمده که مال التجاره از آتراه حمل و نقل شود در بصره و بغداد و سایر بلاد عرض راه هیجان و آثار یاس و تنزل املاک و افکار مهاجرت پیدا شده اگر اصل داشته باشد عجب تدبیر بوزر جمهوری و تنیه و کوشاک نادری است یارب سببی ساز پشیمان نشوند و در روز سیم صفر الخیر بیست عمده توب بزوک و ده عمده کوچک با دو تابور عسکر و چند نفر ضابطان معتبر وارد بغداد شدند و معروف شده که پرتو پاشا به از ۱۵ روز اقامت عراق به اسلامبول معاودت خواهد نمود و در ۲ صفر مشارالیه با جناب یمن الممالک در کاربرد از خانه دیدن نمود عسکریه بغداد به قومپانیه های راه کربلا اعلان نموده که هر کدام میل انفصال از کار عربانه داشته باشند اداره عسکریه تمام قاطر های ایشان را خریداری میکنند و کبابیهای عربانه ها هم بواسطه نبودن زوار و کار نکردن عربانها ممنون شده و امروزها امر قاطر خریدن انجام پذیر خواهد شد و در ۴ صفر ۳۰۰ بار شتر چیه خانه تفنگ و غیره وارد کردند و در کربلا بموجب اخبار مشهوره در کاروانسراها و خانهای زوار نشین اطلاع داده اند که تا ۵ صفر باید زوار حرکت نمایند و اگر تا پنجم صفر حرکت نکردند باید بمانند و محمد پاشای ارناوژد مأمور مندلیج و بدرآ گردید

و خاص شیعیانست با اینکه مدار معیشت عراق عرب از تجارت تجار و زیارت زوار ایرانیست با اینکه فنوس متداولی عراق سکه ایران است با اینکه مرکز مذهب جمفری ص م و مقر ریاست روحانیه شیعی در قبه الاسلام نجف اشرف است با اینکه نقطه عراق به مرکز ایران دو هفته راه است و به مرکز اسلامبول دو ماه هم بیشتر است با اینکه تا زمان فتح شاه مرحوم تعیین ولایه بغداد به امضای ایران بود و تعیین حکومت سلیمانیه و شهر زور با ایران بود با اینکه اهالی عراق در این سنوات اخیر از ترکها روگردان شده اند و متدرجا چهل هزار ردیف جوانان نازک بدن عزیز پدر و مادر حاجی زاده سایه پرورده را جمع نموده و به کویت و نجد و یمن و حجاز روانه کرده اند و یکنفر از آنها مراجعت نکرده و تمام تلف شده اند و اداره عسکریه از غایه خجالت و شرمساری شهرت داده اند که تمام افواج ردیف عراق فراری شده اند و حال آنکه دنیا می داند که همه ترکجیات نموده اند و از اینست که حالا می خواهد حدود ایرانرا بسا کر شاهانه محفوظ دارد عسکر ردیف پیدا نمیشود و هر کس که وقت ردیف او شده جان خود را بر داشته و دیار پدیدار می گردد و از قضا عشایر معتبر هم در حدود ایران ندارند و عشایر کوچکی هم که هست همه شیعی و هر کدام در تحت یک سردار سرحد دار ایران است اینست که سیاسیون این سامان متحد القول برآند که یک عشیره و یک سرحد دار ایران مثل صانم السلطنه یا صمصام الممالک در عرض ۱۵ روز تمام عراق را مسخر میدارد زیرا که هیچ مانعی و عاقلی در جلو نیست و سرحد داران ایران بطمع اسلحه جدید که ترکها دارند تمام اسلحه داران را زنده زنده می خورند و از پرتو پاشای خیالی بجز اسم در افواه عوام اثری نیست اگر از اسلامبول در آمده مارا خبری نیست حالا دو ماه است که هر روز می گویند امروز وارد می شود و فردا وارد می شود و سال گذشته که با اردوی سیاره طول حدود را می گشت سرحد داران ایران علی الخصوص صمصام الممالک او را بخوبی می شناسد از اینرضه استعداد عراق و کاهنی ایران بوی معلوم خواهد شد

اوغره محرم ۲۶ دواتر عسکریه بغداد در کمال تلاشی و عجله ردیف و احتیاط را خبر دادند و از هر نقطه که وارد میکردند لباس پوشانیده و دو روز مشق داده و روانه حدود می کنند در عراق در عمده و بدرآ و مندلی و خاقین اردو گذاشته اند و از ۱۵ محرم در ظرف ده روز متدرجا هفتصد بار شتر تفنگ از راه حلب وارد بغداد شد باره شتر عبرت از چهار صندوق بود بار اسلحه و

۴۰ قران

۴۵ قران

۱۰ منات

۳۰ فرانک

نسخه

مسدودینار

شاهی است

قران است



ممالک ما

زند و روزگار

خداوند بر

وقت و اینهمکام

زده و خورده

تفنگ ما کتر

ن ایران از

مخواهد زاید

کونی ایشان

خامت عاقبت

ان و جاهل

ش کونی نماید

اری بکند

و مناسبت

به تحصیل

سر المؤمنین

الاشیاء الا

غیرت ملی

دست غیبی

که کرسنه و

ار پیلر کرد

مذهب اند

چه می کشد

مرقد ائمه

مخلوقا من

جد و مزار

( یکشنبه ۳ ربیع الاول )

امروز بنا بر حسب معمول سابق و تعیین در روز قبل مجلس بواسطه یازده از مذاکرات و مطالب راجعه بداخل آن مخصوص بوکلاء و سری بود

( بلده اتری )

( خدمت جنابمستطاب مدیر جریده مقدسه جیل المتین )

جنابعالی بنا به سبقت قدم در مسلك جریده نگاری و اشتها بیفرضی و بیطرفی در بیداری ملت و دولة حق بزورکی در علم انسانیت و تمدن ثابت فرموده اید و جای تردید نیست و چون چنین است لابد مطالب مندرجه جریده مبارکه اعتبار خاصی داشته جالب توجه اولیای امور میباشد

لهذا محض ادای شکرانه نعمت که در میان ملت یونان و دیانة و رعایت حق صرف نموده می بایست آغا فانا در تکمیل مسلك پسندیده خودتان بکوشید تا اطلاق زبان گویا و کوشش شنوای ملة بر ساحت شریف جنابعالی درست شود در شماره ۲۵۳ جریده مبارکه تلکرافتی از رشت بطهران درج شده بامضای مهاجرین اتری جای چندین خیال و موجب حیرتست با وجود اشتها مظلومیت ملة اتری و فدا کاریهای آنها در راه مشروطیة اگر تحقیق فرموده اید که مهاجرین بکاتبند پس علة عدم درج اسامی آنها چه بوده که فقط قناعت به کلمه مهاجرین نموده اید اگر بدون تحقیق مقاله ایست که محض پر شدن ستونهای جریده درج فرموده اید در اینصورت دو چار دو ایراد قانونی خواهید بود

اول اینکه رسماً مکتوب یا تلکرافتی که بدون امضای معروف و بدون آدرس صحیح باشد درج آن در روزنامه ممنوع است چنانکه عنوان عموم جراید بخصوص جریده فریده جیل المتین بدین کلام موضح شده

دوم اینکه تلکرافتی با آن اهمیة موهومی با آن کلمات حیرت انگیز با آن عنوانات شرارت خیز علاوه بر اینکه ده هزار نفوس را منسوب بشرارت و افساد نموده زحمت و فدا کاریها و خسارات فوق التحمل ملة بد بخت و وکلاء انجمن بلدی اتری را عبث و هدر میکند چه طور میتوان درج و در ممالک ارض منتشر نمود

و چنان و انصاف و دیانة جنابعالی را حکم قرار می دهیم آیا آن تلکرافت مفسد و مغرض را بمقاصد خود نایل میکند یا نه باعث سلب شرف اعضاء بلدی که موافق قانون با انتخاب ملة تعیین شده اند میشود یا نه

جنابعالی را با بوالفضل العباس قسم می دهیم و بر شوالات خودمان جواب میخواهیم آیا اینهمه داد و فریاد و عریاض و تلکرافات که ملة اتری طبقه به طبقه صنف صنف کردند و میکنند حتی عموم علما و تجار و اصناف

تعطل کرده همین چند روز پیش همه در پای تلکراف حاضر شده نظم نمودند هیچ محل اعتبار نشد ولی يك تلکراف مجهول از رشت که اگر صحیح باشد فقط یک نفر و همان منظور عموم است بوده صحیح و قابل توجه و درج و امضایش مهاجرین شد آخر نباید تحقیق بفرمائید که این مهاجرین بکاتبند چه کاره اند چند نفرند و دعوی آنها از چه مقوله است و محرک آنها که تا با اعضاء بلدی طرف شده بگوید با لطایف الحیل خودشان را وکیل انجمن بلدی کرده میخواهند منتفع بشوند سبحان الله انسان متحجرات که چه بگوید و چه بنویسد وجه عرض کند اعضاء بلدی مردمانی هستند همه تاجر و کاسب چنانکه اغلب آنها را چند نفر از وکلاء محترم آذربایجان می شناسند خدمت بنوعمرای بهترین عبادت و موجب سعادت می دانند از مفهوم و منطوق آن تلکراف بکلی بیطرفند بهیچوجه من الوجوه مطالب تلکراف راجع بانها نمی شود و انکی انجمن بلدی وظیفه دارد علیحده جز حفظ آبادی و ترتیب مسائل راجعه ببلد و وظیفه دیگر و عنوان دیگر ندارند حکومت نداشته اند چوب و حبس و زجر و منع نداشته اند پشت برحق نیستند لباسشان لباس نظم نیست مملکتشان مملکت فسق و فجور نه که صاحب تلکراف اسم عرض و ناموس برده ( هر کسی را بهر کاری ساختند ) اعضاء بلدی در اینمدت که بجان و مال خودشان ایقا نکرده در راه استقلال اساس مشروطیة و اثبات عدل مجاهدت نموده و مینمایند که در دنیا نیکنام و در آخرت رستگار شوند نه اینکه عوض اینکه بی عوض خدمت کنند و از کسب و تجارت خود باز بمانند نتیجه این باشد که در جراید نام ایشان را مفسد و شریر درج و نشر کنند عجالتاً چون امضای تلکراف مزبور تصریح باسم نشده اعضاء انجمن بلدی با جنابعالی طرف است که معین فرمایند مهاجرین بکاتبند و چند نفرند بعد از آنکه امضا معلوم شد و عده ظالم شدند ولو ده نفر هم باشد ترجیح ایشان باده هزار نفر رواست والا ملة اتری و اعضاء بلدی دست از طلب و شرف خود بر نداشته ثابت و مبرهن خواهند نمود که محرک این مفاسد و ماده این معایب کیست و علتش چیست و بر خود جنابعالی بلکه بر تمامی همقلمان محترم آن جناب و بر افراد ملة ثابت خواهد شد که اعضاء بلدی در وکالة خودشان مجبور ملة و از مبادی تشکیل انجمن تا این ایام همیشه در صدد استعفا بوده و هستند خواستند بر حسب اسلامیة خودشان خدمتی بپالم مسلمانی کرده باشند والا نه طالب اقتخارند و نه جالب دخل و امتیاز منتظریم که خیلی زود تعیین اسامی این مهاجرین موهومی را فرموده خود و جمعی از مسلمانان را از قید تهمت و انصاف و انکار

شرف آزاد

روز

ملك وملة

مستحضر

ایشانرا بر

می کند ملت

مظلومین ر

دولة وملة

بلدی اتری را

غیب و عالم ال

علم ندارد

صالح است

هرگز روز

و بجزئیات

این است که

دارای امر

تصور می

عهده نویسد

یجمع یا بشود

سندی در

وظایف ج

ب اداره می

آگاهی یافت

که کمتر کسی

نیاید شد مدت

آشکارا

اتفاق می افتد

یافته و پس

مطلب سابق

باعث و هن

چیزی بنویسند

بی اصلی را

است که از

تندی بر

اظهار بی

معتبر که

ضبط است

و بدانی

بتلکرافات

ان تلکرافات

بر تلکراف

شرف آزاد فرمایند ( انجمن بلدی اترلی )

## ﴿ حبل المتین ﴾

روزنامه وضع شده است از برای بحث در مصالح ملك و مآه و نشر حوادث و وقایع اتفاقیه مملکت روزنامه مستحضر میکند طراویاً امور را از حال رعبه و ترغیب میکند ایشانرا بر اشاعه عدل و داد و از احاطه ظلم و استبداد و آگاه می کند ملت را از قضایای مملکت روزنامه می رساند تظلمات مظلومین را عموماً بمسامع ارباب حل و عقد و کار گذاران دولت و مآه پس از این مقدمات خاطر اعضای محترم انجمن بلدی اترلی را مستحضر می داریم که هیچ روزنامه نگاری دانا بر موز غیب و عالم السر و الخفیات نیست و احاطه بر جمیع موجودات عالم ندارد که هر مکتوبی پیرا که می خواند بداند نویسنده صالح است یا طالح از روی عرض نوشته یا خیر خواهی هرگز روزنامه نویس افراد مآه خود را شخصاً نمی شناسد و بجزئیات آنها معرفت نامه ندارد پس وظیفه روزنامه نگار این است که اخبار و مکتوباتی که بانها رجوع میشود اگر فایده ای مهمی است یا جلب منفعت و دفع ضرری از آن تصور می شود از در جش مضایقه نکند صحت و سقم بر عهده نویسنده است منتها اینکه در باره مطالب که را جمع یجمع یا بشخص است نویسنده باید خود را معرفی کرده و سندی در دست دهد که در وقت حاجت حجة باشد و از وظایف جریده نگاریست که عرایض تظلمات و شکایات را که بداره می رسد نشر داده تا مآه از حال هموطنان خود آگاهی یافته و رفع ظلم ظالمین را بخواهند خاصه این مملکت که کمتر کسی یافت می شود که بحق خود راضی و متعدی بغیر نیاشد منتها آنکه در صورت کذب تردید شده و خلافتش آشکارا می شود و اینگونه وقایع در ممالک متمده نیز بسیار اتفاق می افتد چنانچه امروز مطلبی بتوسط جریده نشر یافته و پس از دو روز دیگر عکس شهرت می یابد و کذب مطلب سابق آشکارا می شود و ابداً بروزنامه نگار تکلیفی نیست و باعث و هن جریده نمیشود بلی اگر روزنامه نویس از خود چیزی بنویسد یا بتوسط وقایع نگار مخصوص خویش مطلب بی اصل را اشاعه دهد بر ذمه خود یا وقایع نگار خویش است که از عهده برآید پس ایرادی که انجمن محترم باین تندی بر ما وارد می آورند و یا حسن ظنی که در باره ما داشته اظهار بی لطفی می کنند ابداً بر ما تقصیری نیست اولاًستد معتبر که عین تلکراف باشد بمهر تلکراف فخانه در اداره ضبط است و ما در درشت نبوده ایم که مهاجرین را بشناسیم و بدانیم چه قدر وجه کاره اند اگر ایرادی دارید باید بتلکراف فخانه رشت وارد کنید نه بر ما گذشته ازان امضای ان تلکراف همان عموم مهاجرین است معرفی را هم باید بر تلکراف فخانه رشت بنخواهد نه از ما و اما شکایتی که

کرده اند چرا عرایض و تلکرافات خود شان درج و قابل اعتنا نشده ربطی بمانند دارد اگر انجمن محترم و اهالی غیور اترلی بمجلس یا جای دیگر تظلمی کنند و بجائی نرسد ما مشول نیستیم آنچه بما رجوع کرده اند با کمال افتخار انجام داده و اما تلکراف رشت را که مجهول می فرمایند اداره ما من مجهول و معروضیت از نیست و معتمد بخط و مهر تلکراف فخانه مبارک است که از همه معروفتر است و اما آنچه در باره درستی و حسن خدمت خود مرقوم داشته اند لازم با ثبات نیست ما خود از همه بیشتر مقرر و معترفیم که حسن اهالی اترلی از اغلب نقاط ایران بیدراتر و در طریق خدمت بوطن صادق و ساعی ترندولی این اعتراف تکلیف روزنامه نگار را از ما سلب نمیکند گویا اگر وقت فرمائید باین مطلب تصدیق داشته باشید ولی بداره که ایرادی ندارید گویا بتلکراف فخانه مبارک رشت هم قانوناً حقی نداشته باشید جز اینکه معرفی اشخاصی را که چنین تلکرافی نموده اند از تلکرافچی خواسته تلکراف معهود را تردید نمائید و ما خود اول کسی هستیم که از خدمات انجمن بلدی و اقدامات مردانه وطن پرستان و بیغرضان ان بندر نهایت امتنان داشته و داریم ولی از این ایراد بی محل ازان دانشمندان بصیر حیرت نموده و معذرت می خواهیم

## ﴿ اعلان ﴾

باغ یتلاقی در دربند شمیران اندرونی و باغ و آب ملکی و یک خانه دم شمس العناره اندرونی بیرونی طویله مال حسام السلطان همدانی می فروشد بقیمت معمار چون خیال رفتن دارد هر کس طالب است اطلاع بدهد تا ختم عمل شود

## ﴿ اعلان ﴾

دو عدد مهری که يك حلقه انكشتر الماس در جمع آن بوده از مال این بنده حاجی علی اکبر خان معتمد الممالک اترلی امروزی دویم حمل پیچی ثیل سنه ۱۳۲۶ کم شده یکی سجعش معتمد الممالک علی اکبر و دیگری کوچک تر از آن علی اکبر بود لهذا از حال تحریر بمعلوم عرض و اعلان می نماید هر آینه هر سندی یا هر قبالة یا هر خطی باین مهر ها بدون امضای دستی بنده در هر جا بیرون و ادعائی بشود از درجه اعتبار ساقط است و ابداً قبول نخواهد شد و هم چنان مهر های تازه بنده هم که بتاریخ هذه السنه خواهد بود بدون خط و امضای دستی بنده باشد پذیرفته نخواهد شد و بی اعتبار است

## ﴿ اعلان ﴾

قانون انطباعات از طبع خارج شده در کتاب خانه علمیه و شرافت بفروش میرسد

( حسن الحسینی الکاشانی )